

آزمون خودشناسی مبتنی بر اصل توحید در مقابل خودبینی

این آزمون وسیله ای عینی است، که برای اندازه گیری نمونه ای از رفتار یا خصایص اعضای خانواده به کار می رود.

مراد از عینی آن است که روش اجرا، نمره دادن، تعبیر و تفسیر آزمون بر اساس قواعدی معین و مشخص صورت می گیرد و از قضاوت و نظر اشخاص بی تأثیر است.

دستورالعمل تکمیل دفترچه آزمون

پاسخگوی گرامی ضمن تبریک به تصمیم شما برای یافتن جایگاه واقعی خود در زندگی و حرکت در مسیر

خودشناسی مبتنی بر اصل توحید در مقابل خودبینی

این دفترچه حاوی مجموعه عبارات دو سویه است که جایگاه واقعی شما را در عرصه های مختلف زندگی مشخص نموده و شاخص خوبی برای برنامه ریزی و تصمیمات آینده شماست. که باید یکی از دو سو را انتخاب و به خود یا دیگران نمره دهید.

در تهیه و تنظیم این دفترچه سعی شده است از معتبرترین و در دسترس ترین منابع دینی و علمی استفاده شود.

تذکرات:

برای پاسخگویی به این آزمون هیچ محدودیت زمانی و مکانی وجود ندارد.

هریک از موارد را مطالعه فرمایید و خود را براساس یک مقیاس ۹ درجه ای ارزیابی کنید. نمره ۹ در سمت راست یعنی شما ویژگی سمت راست را کاملاً به شکل بارز دارید و نمره ۹ در سمت چپ یعنی شما ویژگی سمت چپ را کاملاً به شکل بارز دارید و نمره ۰ (صفر) یعنی شما هیچ کدام از این ویژگی ها را ندارید.

بهتر است برای خودسنجی دقیق تر به ازای هر امتیاز مثبت یا منفی، مصادیق عینی یا تعریف عملیاتی آن را در نظر گرفته و نمونه هایی را بنویسید. مثلاً اگر به خودتان نمره ۹ می دهید، بیان ۹ مثال و مصداق عینی، اعتبار بیشتری به نمره شما می دهد.

نمره گذاری در دو مرحله انجام می شود. ابتدا جهت (سوی) گرایش و موقعیت خود یا دیگری را از نقطه صفر به

سمت راست یا چپ مشخص نموده سپس درجه مورد نظران را از ۱ تا ۹ داخل دایره  (برای خانمها) یا مربع

 (برای آقایان) یا مثلث  (برای فرزندان) قرار دهید.

توجه داشته باشید که شما نمی توانید همزمان در هر دوسوی مرز صفر باشید بلکه اگر نمره شما چند درجه ای به سمت مخالف گرایش دارد به همان میزان می توانید درجات سوی دیگر را کاهش دهید.

سعی کنید از نمره صفر (تردید دارم) استفاده نکنید. مگر در مواردی که اطلاعات کافی ندارید و یا مفهوم آن را متوجه نمی شوید.

سعی کنید ارزیابی خود و خانواده را سطح به سطح و گام به گام انجام داده و عجله نکنید.

برای رسیدن به رشد و تعالی بیشتر، بهتر است از اعضای خانواده بخواهید تا از دید خودشان شما را ارزیابی نمایند. سپس نتایج را با نمره خودتان جمع نموده و معدل آن را به عنوان نمره واقعی خود محاسبه نمایید.

اگر همه اعضای خانواده از یک دفترچه برای امتیاز دادن استفاده می کنند، بهتر است از رنگهای متفاوت استفاده نمایند.

درجات ۱-۹ را می توانید به شرح جدول زیر محاسبه نمایید.

نمره	درجه	شرح
۱	نگرش:	نگاه و توجه فرد به آن سو بیشتر از سوی دیگر است.
۲	گرایش:	فرد میل به آن سو داشته و آن را تأیید می کند و حرکتش به آن سو بیشتر از سوی دیگر است.
۳	روش:	سبک و روش زندگی فرد به آن سو شبیه تر است. رفتارش بیشتر نمایانگر آن سو می باشد.
۴	متابعت:	فرد تابع و پیرو رهبرانی است که او را به آن سو راهنمایی می کنند.
۵	مواظبت:	فرد مراقبت از خود را در گرو آن سو می بیند. و حتی الامکان در کلاسهای آموزشی مرتبط به آن شرکت می کند.
۶	مداومت:	فرد اصرار بر حرکت در آن سو را دارد. و تحت تأثیر محیط از آن سو بر نمی گردد.
۷	حق جویی:	فرد حق خود را در آن سو جستجو می کند. و روزانه در پی جستجوی آن است.
۸	حق گویی:	فرد دیگران را به حرکت در آن سو تشویق و توصیه می کند.
۹	حق پویی:	فرد حرکت در آن سو را حق خود می داند و برای رسیدن به آن تلاش می کند. و لحظه ای از آن غافل نمی شود.

جدول مشخصات اعضای خانواده (مشارکت کننده در تکمیل این آزمون)

ردیف	نام و نام خانوادگی	نسبت خانوادگی	سن	تحصیلات	رشته تحصیلی	شغل	شماره تماس
۱							
۲							
۳							
۴							
۵							
۶							
۷							
۸							
۹							

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ «مائدة: ١٠٥»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر شما باد (حفظ) خودتان. چون شما هدایت یافتید، آن که گمراه شد زبانی به شما نمی‌رساند. بازگشت همه‌ی شما به سوی خداست، و او شمارا به آنچه می‌کردید، آگاه می‌سازد.

پیام‌های آیه ۱۰۵ مائدة

- ۱- در راه حق، از تنهایی نترسیم. «عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ»
 - ۲- اگر حریف دیگران نمی‌شویم، حریف نفس خود باشیم. عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ ...
 - ۳- انحراف جامعه، مجوز گناه کردن افراد نیست. عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ ...
 - ۴- در قیامت، هر کس مسئول کار خویش است. «عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ»
 - ۵- در پی کشف و افشای عیوب دیگران نباشیم. «عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ»
 - ۶- اهل ایمان بر رفتار و کردار ناروای گمراهان و عقائد باطل آنان مؤاخذه نخواهند شد. «عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ»
 - ۷- در راه نجات دیگران، خودتان غرق نشوید. «عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ»
 - ۸- چنان باید تربیت شویم که فساد محیط و جامعه در ما تأثیر نگذارد. «لَا يَضُرُّكُمْ»
 - ۹- روحیه‌ی خود را به خاطر انحراف دیگران از دست ندهیم. «عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ»
 - ۱۰- گرچه منحرفان در کمین هستند، اما راه مصونیت یافتن، هدایت‌پذیری است. «لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ».
- (تفسیر نور، ج ۲، ص: ۳۸۵)

ردیف	خودبینی	بیش از حد	خیلی زیاد	زیاد	بیش از متوسط	متوسط	کمتر از متوسط	ناچهارده	کم	خیلی کم	ناچهارده	خیلی کم	کم	ناچهارده	کمتر از متوسط	متوسط	بیش از متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بیش از حد	خودشناسی	ردیف
۱	تمام خوبی‌ها از جانب خود می‌باشد.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	تمام خوبی‌ها از جانب خدا و انبیاء و اولیاء اوست.	۱
۲	حجابی بین من و خدا و دیگران پیدا شده است.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	هیچ حجابی بین من و خدا و دیگران نیست.	۲
۳	خودم را تنهای تنها می‌بینم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	خودم را جزئی از جمع بندگان خدا می‌بینم.	۳
۴	وقتی شری به من می‌رسد مأیوس می‌شوم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	وقتی شری به من می‌رسد همه امیدم به خدا و اولیاء خداست.	۴
۵	اگر خبری به من برسد بجای شکرگزاری سرگرم خیر می‌شوم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	اگر خبری به من برسد شکر خدا را بجا می‌آورم.	۵
۶	هرچه خودم را بیشتر می‌شناسم از ایمان و عبادتم کاسته می‌شود.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	هرچه خودم را بیشتر می‌شناسم بر ایمان و عبادتم افزوده می‌شود.	۶
۷	خانواده‌ام وضع نابسامانی دارد.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	خانواده‌ام سر و سامان خوبی دارد.	۷
۸	اهل بندگی و عبادت خدا نیستیم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	اهل بندگی و عبادت خدا هستیم.	۸
۹	استعدادهایم از آن خودم است.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	هرچه استعداد دارم از خداست.	۹
۱۰	به فراتر از عالم ماده اعتقاد ندارم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	به فراتر از عالم ماده اعتقاد دارم.	۱۰
۱۱	احساس می‌کنم دود سیاهی بین من و دیگران مانع صلح و دوستی است.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	خودم را مظهر صلح و دوستی می‌دانم.	۱۱
۱۲	نا توانیهایم همچون غبار غلیظی فضای اطرافم را پوشانده است.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	استعدادهای خدادادی همچون نسیم بهاری گل وجودم را نوازش می‌دهد.	۱۲

۱۳	قدرت تشخیص چهره حق از باطل را دارم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	قدرت تشخیص چهره حق از باطل را دارم.	۱۳
۱۴	دغدغه های من بیشتر اجتماعی و خانوادگی است.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	دغدغه های من بیشتر اجتماعی و خانوادگی است.	۱۴
۱۵	بیشتر به فکر دیگران هستم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	بیشتر به فکر دیگران هستم.	۱۵
۱۶	حضور خدا را در زندگی ام احساس نمی کنم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	خدا را با تمام وجود حس می کنم.	۱۶
۱۷	همه اعمالم سست و بی پایه است.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	همه اعمالم محکم و ماندگار است.	۱۷
۱۸	انسان دروآندیشی نیستم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	من انسان دور آندیشی هستم.	۱۸
۱۹	در زندگی بی هدفم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	من در زندگی هدفمندم.	۱۹
۲۰	همیشه به دنبال مطرح کردن خودم در جامعه هستم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	همیشه به دنبال وحدت کلمه و توحید هستم.	۲۰
۲۱	تجربیات تلخ زندگی پرده بر عقل و هوشم افکنده است.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	تجربیات شیرین زندگی عقل و هوشم را زیاد می کند.	۲۱
۲۲	پیشرفت مادی را نشانه قرب الهی می دانم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	رعایت تقوا را نشانه قرب الهی می دانم.	۲۲
۲۳	مقام فوق العاده ای برای خودم نزد خدا قائلم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	خودم را بنده ضعیف خدا می دانم.	۲۳
۲۴	به هیچ وجه نگران عاقبت به خیری خودم نیستم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	نگران عاقبت به خیری خویشم.	۲۴
۲۵	اعمال و رفتار من بی ارزش است.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	اعمال و رفتار من ارزشمند است.	۲۵
۲۶	خودم را غرق در لذات و شهوات می بینم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	خودم را غرق در تقوی و پرهیزکاری می بینم.	۲۶
۲۷	جدای از خانواده و جامعه حرکت می کنم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	همگام با خانواده و جامعه حرکت می کنم.	۲۷
۲۸	آیات الهی را نشنیده و ندیده می انگارم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	آیات الهی را شنیده، دیده و به جان خریده و به آن عمل می کنم.	۲۸
۲۹	خودم را در برابر کتاب خدا مسئول نمی دانم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	خودم را در برابر کتاب خدا مسئول می دانم.	۲۹
۳۰	دعوت انبیاء الهی را پذیرفته ام.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	دعوت انبیاء الهی را پذیرفته ام.	۳۰
۳۱	به مرگ و زندگی پس از آن فکر نمی کنم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	به مرگ و زندگی پس از آن فکر می کنم.	۳۱
۳۲	برای اثبات وجود خدا توجه به مراحل خلقت انسان نیازی نیست.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	برای اثبات وجود خدا به مراحل خلقت خود توجه می کنم.	۳۲
۳۳	موفقیت من در گرو سرمایه و تجهیزات مادی است.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	موفقیت من در گرو پاکی و نظم معنوی است.	۳۳
۳۴	با مدرک تحصیلی و گواهینامه معتبر می توانم به موفقیت برسم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	با جدیت و اخلاص می توانم به قله های موفقیت برسم.	۳۴
۳۵	فقط با کمک خانواده می توانم موفق شوم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	با بخشندگی و مهربانی می توانم از حمایت دیگران برخوردار شوم.	۳۵
۳۶	با پشتیبان و راهنما می توانم موفق شوم.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	با وقت شناسی و برنامه ریزی می توانم موفق شوم.	۳۶
۳۷	مهمترین هدفم ثروتمند شدن است.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	مهمترین هدفم بندگی خداست.	۳۷
۳۸	در کشف استعدادهایم موفق نشده ام.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	تمام استعدادهایم را کشف کرده ام.	۳۸
۳۹	همه علائق من رؤیا و خیالی بیش نیست.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	همه علائق من دست یافتنی است.	۳۹
۴۰	اهدافم نامشخص و بی برنامه است.	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	اهدافم مشخص و برنامه ریزی شده است.	۴۰
جمع																					جمع	

ردیف	خودشناسی مبتنی بر اصل توحید	نفس: از خدا	خلسه: ناله	زبان	بش: از متوسط	متوسط	کشت: از متوسط	تأخیر: در	کرم	خلسه: کرم	نفس: در نام	خلسه: کرم	تأخیر: در	کشت: از متوسط	متوسط	بش: از متوسط	زبان	خلسه: ناله	نفس: از خدا	
۱	پرورش استعدادهای توحیدی (مربی اصلی خداست)	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۲	شکوفایی استعدادهای معنوی توحیدی	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۳	شکوفایی استعدادهای مادی توحیدی	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۴	دلبستگی به ارزشهای الهی	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۵	تلاش برای تحقق علائق و ارزشهای معنوی توحیدی	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۶	استفاده از علائق مادی به عنوان وسیله نه هدف	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۷	توفیق بندگی خدا	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۸	موفقیت در توفیق بندگی خدا و خدمت به خلق خدا	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۹	رسیدن به اهداف مادی و معنوی در سایه رحمت الهی	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
جمع																				

*و در وجود خود شما (نیز آیات و نشانه‌هایی است) آیا نمی‌بینید. (ذاریات ۲۱)

*و از روح خویش در او بدمید، و برای شما گوش و دیدگان و دلها آفرید، (سجده ۹)

توحید

*توحید ذاتی: خالق من و تمام جهان هستی خدا است. (روم: ۲۸)

*توحید صفاتی: خالق تمام صفات من خدا است. صفات من مستقل از صفات الهی نیست در حالی که صفات الهی مستقل از تمام صفات جهان هستی است و تمام صفاتش عین همنند.

*توحید افعالی: همه افعال، حرکات و فعالیت‌های من به ذات پاک خدا برمی‌گردد و هرچه همه دارند از ناحیه خدا است. (آل عمران: ۴۹)

*توحید حاکمیت: حاکم در عالم، فقط خدا است. و هرکس بخواهد حکومت کند باید به فرمان و اذن الهی باشد. (آل عمران: ۱۸۹)

*توحید مالکیت: مالک همه چیز در آسمان و زمین خداست. (بقره: ۲۵۵)

استعدادهای انسان

"بدون شک انسان اعجوبه عالم هستی است و آنچه در عالم کبیر است در این عالم صغیر نیز وجود دارد، بلکه عجائبی در آن است که در هیچ جای جهان نیست. عجب اینکه این انسان با آن هوش و عقل و علم و اینهمه خلاقیت و ابتکارات و صنایع شگرف، روز نخست به صورت نطفه کوچک و بی ارزشی بوده، اما همین که در عالم رحم قرار می‌گیرد با سرعت عجیبی رو به تکامل می‌رود، روز به روز شکل عوض می‌کند، و لحظه به لحظه دگرگون می‌شود، و آن نطفه ناچیز در مدت کوتاهی به انسان کاملی تبدیل می‌گردد.

خوب است از نعمتهای بیشماری که داریم، فهرستی بنویسیم: اول از نعمت‌هایی که همیشه از آنها استفاده می‌کنیم و دیده می‌شوند، مثل خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها و پوشیدنی‌ها؛ بعد، از نعمت‌هایی که دیده نمی‌شوند؛ ولی

همیشه در وجودمان هستند و خواه ناخواه از آنها بهره می‌بریم، مثل عقل، محبت، خداپرستی، دوست داشتنی‌ها، امنیت و آسایش و... راستی، به نظر شما ما به چه چیزهایی نعمت می‌گوییم؟ تمام آن چیزهایی که انسان از آنها بهره می‌برد، نعمت است. این نعمت‌ها همیشه خوشی‌ها و برخورداریه‌ها نیستند. گاهی ناخوشی‌ها بیشتر از خوشی‌ها به درد ما می‌خورند.

مولانا در دفتر سوم مثنوی می‌گوید:

از جمادی مُردم و نامی شدم	از نما مُردم ز حیوان سر زدم
مُردم از حیوانی و انسان شدم	پس چه ترسم کی زمردن کم شدم
بار دیگر از ملک پُرآن شوم	آنچه در وَهم ناید آن شوم

[امراد از "انسان" در آیه: "وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ"]

بعد از آنکه خدای سبحان رستگاری مؤمنین را به خاطر اوصافی که دارند بیان فرمود، به شرح خلقتشان و نعمت‌هایی که به آنان ارزانی داشته که چگونه تدبیر امورشان را کرده و تدبیر خود را با خلقت خود توأم ساخته، می‌پردازد تا معلوم شود اوست رب انسان و رب هر موجود دیگر، و بر همه واجب است که تنها او را بپرستند و شریکی برایش نگیرند.

به منظور تحلیل مفهوم استعداد از دیدگاه قرآن، ابتدا کلیدواژه‌های قرآنی مرتبط با این موضوع و سپس آیات آن و همچنین آیاتی که به صورت ضمنی دلالت بر استعداد داشت، مشخص شد. واحدهای تحلیل به کاررفته در این پژوهش در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: واحدهای تحلیل

واحدهای تحلیل کلمات (واحدهای تحلیل مربوط به مفهوم استعداد)

فطرت (روم/ ۳۰)، وسع (بقره/ ۲۸۶؛ طلاق/ ۷)، درجات (انعام/ ۱۶۵)، اختلاف (مائده/ ۴۸؛ هود/ ۱۱۸)، تفضل بعض علی بعض (نساء/ ۳۲)، اطوار (نوح/ ۱۴)

مضمون‌ها بقره/ ۱۴۲ و ۲۱۴؛ آل عمران/ ۱۲۴، ۱۲۵؛ نساء/ ۳۲ و ۱۵۵؛ مائده/ ۴۴ و ۴۸؛ انعام/ ۱۶۵؛ اعراف/ ۲۷ و ۳۰ و ۱۶۵؛ هود/ ۱۱۸؛ ابراهیم/ ۳۴؛ نحل/ ۷۸ و ۱۲۵؛ اسراء/ ۲۰ و ۴۱؛ فرقان/ ۲۰؛ احزاب/ ۷۲؛ فاطر/ ۳۲، ۳۰ و ۳۱؛ شوری/ ۱۳؛ زخرف/ ۳۲؛ رحمن/ ۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، فصلت/ ۱۰۴ و ۲۹؛ نوح/ ۱۴؛ بلد/ ۹؛ تین/ ۴

کام ۱/۱	استعدادهای معنوی (اصیل)	نشد از حد	خیلی زیاد	زیاد	نشد از متوسط	متوسط	کمتر از متوسط	تأخیری	کم	خیلی کم	توجه نام	خیلی کم	کم	تأخیری	کمتر از متوسط	متوسط	نشد از متوسط	زیاد	خیلی زیاد	نشد از حد	کام ۱/۱	موانع شکوفایی استعدادها	کام ۱/۱
۱	انرژی مثبت	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱	انرژی منفی	۱
۲	فرشته خویی و فطرت	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۲	شیطن و حيله گری	۲
۳	قدرت انتخاب	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۳	ضعف در انتخاب	۳
۴	مسئولیت پذیری	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۴	مسئولیت گریزی	۴
۵	وجدان	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۵	بی وجدانی	۵
۶	ابتکار، خلاقیت	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۶	انجماد فکری	۶
۷	ظرفیت های درونی	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۷	تعارضات درونی	۷
۸	بی نهایت طلبی	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۸	ایستایی و درجاندن	۸
۹	تغییر پذیری	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۹	تغییر ناپذیری	۹
۱۰	معنا بخشی	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	لفظی و ظاهر بینی	۱۰
۱۱	ترکیب تضادها	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۱	تقابل تضادها	۱۱
۱۲	انرژی گذاری	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۲	بی تفاوتی	۱۲
۱۳	بندگی	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۳	طغیان	۱۳
۱۴	عقلانیت	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۴	غریزه و شهوت	۱۴
۱۵	توبه و جهش درونی	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۵	گستاخی و لجابت	۱۵
جمع																					جمع		

۱. انرژی پذیر مثبت: فیض الهی جاری است و هر کس به مقدار استعدادش بهره مند می شود. «أُوْدِيَةً بِقَدَرِهَا» (تفسیر نور، ج ۴، ص ۳۳۳)

۲. فرشته خویی و فطرت: عزم و اراده قوی، عقل و شعور، تقدیس و تسبیح خداوند، معرفت و شناخت حق، آمادگی انجام فرمان خدا، نشاط در انجام فرمان خدا، سبقت در انجام فرمان خدا، نظم و انضباط، تدبیر در امور، حفاظت از انسانها، (نازعات، ۱-۵) پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی دانند! (روم: ۳۰) چرا به خدا ایمان نیاورید در حالی که رسول (او) شما را می خواند که به پروردگارتان ایمان بیاورید، و از شما پیمان گرفته است (پیمانی از طریق فطرت و خرد)، اگر آماده ایمان آوردنید. (حدید: ۸) بقره ۳۴ و نساء ۱۷۲ و رعد ۱ و حجر ۳۰ و...

۳. قدرت انتخاب: انتخاب بین ایمان، کفر، شرک و نفاق (بقره: ۵۱)، (بقره: ۵۴)، (بقره: ۱۶۵) (آل عمران: ۲۸) (آل عمران: ۸۵) (آل عمران: ۱۱۸)

۴. مسئولیت پذیری: چگونه باور می کنید خداوند این جهان پهناور را، با این عظمت، و این همه شگفتیها، برای انسان بیافریند، ولی در آفرینش انسان هدفی نباشد؟ چگونه می تواند باور کرد، که هر عضوی از اعضای انسان برای هدف خاصی آفریده شده باشد، چشم برای دیدن و گوش برای شنیدن، و قلب برای رسانیدن غذا و اکسیژن و آب به تمام سلولهای بدن. حتی خطوط سر انگشتان انسان نیز حکمتی دارد، ولی برای مجموع وجود او هیچ هدفی در کار نیست، و بیهوده و مهمل و بدون هیچگونه برنامه و امر و نهی و تکلیف و مسئولیت آفریده شده است؟ (قیامت: ۳۶) (نحل: ۹۳)

۵. وجدان: وجدان توحیدی: ضامن اعتقاد به خدای یگانه بی همتا، وجدان کاری: ضامن درستکاری، وجدان اخلاقی: ضامن خوبی ها و بدی ها، وجدان رفتاری: ضامن رفتار پسندیده، وجدان تاریخی: ضامن درس و عبرت از

تاریخ گذشتگان، وجدان همگانی: ضامن احترام به عرف جامعه، وجدان عملی: ضامن عمل به معروفها و نهی از منکرات، وجدان دینی: ضامن عمل به احکام دینی، وجدان مذهبی: ضامن عمل به سیره معصومین(ع)، وجدان سیاسی: ضامن طرفداری از حق و مبارزه با باطل

۶. **ابتکار و خلاقیت:** خلاقیت سیالی: سرعت ایجاد تعداد زیادی ایده یا پاسخ، خلاقیت ابداع: تولید ایده یا محصول نو و بدیع، خلاقیت انعطاف: کنار گذاشتن چارچوب های قبلی و ایجاد ایده ها و روش های متنوع جدید، خلاقیت بسط: توجه کامل به جزئیات مربوط به یک ایده، خلاقیت طراحی: ارائه طرحهای جدید، خلاقیت کشف: آشکار نمودن زوایای پنهان علوم طبیعی و انسانی، خلاقیت ساخت: ساختن وسایل جدید مورد نیاز زندگی، خلاقیت تغییر: تغییر از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب، خلاقیت بازیافت: بازگرداندن نابودشدنیها به چرخه زندگی بشر،

۷. **ظرفیتهای درونی:** تا استعداد، لیاقت، ایثار و سابقه درخشانی نباشد، کسی مورد لطف خاص الهی قرار نمی گیرد. «وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ» بقره ۲۵۱، قبول حق، ظرفیت و زمینه درونی می خواهد. «يُشْرَحُ صَدْرُهُ لِلْإِسْلَامِ» انعام ۱۲۵ (تفسیر نور)

۸. **بی نهایت طلبی:** انسان برای دریافت تمام علوم، لیاقت دارد. سپس علم اسماء [= علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «اگر راست می گویند، اسامی اینها را به من خبر دهید!» (بقره ۳۱)

۹. **تغییرپذیری:** این، بخاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی دهد؛ جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند؛ (انفال: ۵۳) اما افراد ستمگر، این سخن را که به آنها گفته شده بود، تغییر دادند؛ (و به جای آن، جمله استهزاآمیزی گفتند؛) (بقره: ۵۹) پس کسانی که بعد از شنیدنش آن را تغییر دهند، گناه آن، تنها بر کسانی است که آن (وصیت) را تغییر می دهند؛ خداوند، شنوا و داناست. (بقره: ۱۸۱) (شیطان گفت:) و به آنان دستور می دهم که ... و آفرینش پاک خدایی را تغییر دهند! (نساء: ۱۱۹) خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملّتی) را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند! (رعد: ۱۱) (تفسیر نور ج ۱ ص ۴۷۹)

۱۰. **معنابخشی:** زندگی در هر شرایطی دارای معناست. و انسان اراده معطوف به معنا دارد. و او خود (نیز) بر این معنی گواه است! (والعادیات: ۷) نیاز روحی انسان-ها به معنادار نگاه کردن به جهان و زندگی و فرار از بی-معنایی، و نگاه به دین به-عنوان عاملی برای معنادار کردن زندگی، افق جدیدی جهت شناخت هرچه بیشتر دین گشوده و رهیافتی جدید به-نام رهیافت معنا بوجود آورده است. یکی از ویژگیهای انسان نیاز به معناست که تنها دین می-تواند آن را برآورد. بر این اساس، مهم ترین کارکرد دین معنابخشی است. علامه طباطبایی که نگاهی درون-گرایانه به دین دارد، با بکارگیری استدلال-های منطقی و عقلانی، تفسیری از دین و ابعاد گوناگون آن ارائه می-دهد که به-گونه ای با نظریه رهیافت معنا در توصیف و تبیین دین نزدیک است؛ چنانکه معنابخشی را مهمترین کارکرد دین می-داند.

۱۱. **ترکیب تضادها:** توجّه به حکمت اختلاف و تفاوتها در خلقت، نیاز به تأمل و دقت دارد. «نُظِرَ كَيْفَ فَضَّلْنَا» اسراء ۲۱، فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا به یقین با (هر) سختی آسانی است! (شرح: ۵) اجتماع ضدین عبارت است از قبول کردن موضوع واحد دو عرض متضاد، مولوی می گوید: این جهان جنگ است چون کل بنگری* ذره ذره همچو دین با کافری آن یکی ذره همی پرد به چپ* و آن دگر سوی یمین اندر طلب *جنگ فعلی جنگ طبعی جنگ قول در میان * جزءها حربی است هول این جهان *زین جنگ قائم می بود در عناصر در نگر* تا حل شود هر ستونی اشکننده آن دگر* اصل تضاد نه تنها مورد انکار نیست بلکه از اصول و ارکان طبیعت و از شرائط پیدایش

اشیاء است* حکماء الهی می‌گویند لو لا التضاد ما صح الفيض عن المبدأ الجواد اگر تضاد نبود فیض ادامه نمی‌یافت یعنی برای ماده امکانات جدید رخ نمی‌داد و بالنتیجه صورتهای جدید یافت نمی‌شد.

۱۲. اثر گذاری: قدرت انسان می‌تواند از جنّ بیشتر باشد. (نمل: ۳۹) مسیح فقط بنده‌ای بود که ما نعمت به او بخشیدیم و او را نمونه و الگویی برای بنی اسرائیل قرار دادیم (زخرف: ۵۹) برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، (ممتحنه: ۴) (آری) برای شما در زندگی آنها اسوه حسنه (و سرمشق نیکویی) بود، (ممتحنه: ۶) مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، احزاب: ۲۱)

۱۳. بندگی: (پروردگارا!) تنها تو را می‌پرستیم؛ و تنها از تو یاری می‌جوییم. (حمد: ۵) ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛... (بقره: ۲۱) و اگر در باره آنچه بر بنده خود [= پیامبر] نازل کرده‌ایم شک و تردید دارید، (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید؛ و گواهان خود را - غیر خدا - برای این کار، فرا خوانید اگر راست می‌گویید! (بقره: ۲۳) خداوند، پروردگار من و شماست؛ او را بپرستید (نه من، و نه چیز دیگر را)! این است راه راست! «(آل عمران: ۵۱) بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را - غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرد.» هرگاه (از این دعوت)، سرباز زنند، بگویید: «گواه باشید که ما مسلمانیم!» (آل عمران: ۶۴) و خدا را بپرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید!... (نساء: ۳۶) هرگز مسیح از این ابا نداشت که بنده خدا باشد؛ و نه فرشتگان مقرب او (از این ابا دارند). و آنها که از عبودیت و بندگی او، روی برتابند و تکبر کنند، بزودی همه آنها را (در قیامت) نزد خود جمع خواهد کرد. (نساء: ۱۷۲)

۱۴. عقلانیت: هر انسانی به خاطر استعدادها و لیاقت‌هایی که دارد بهشتی است، ولی خلاف‌ها او را سقوط می‌دهد. «فَأَخْرَجَهُمَا» (بقره: ۳۶) آیا می‌خواهید از پیامبر خود، همان تقاضای (نامعقولی را) بکنید که پیش از این، از موسی کردند؟! (و با این بهانه جویی‌ها، از ایمان آوردن سر باز زدند). کسی که کفر را به جای ایمان بپذیرد، از راه مستقیم (عقل) گمراه شده است. (بقره: ۱۰۸)

۱۵. توبه و جهش درونی: اگر استعداد و شایستگی باشد، پرواز یک شبه انجام می‌گیرد. «أُسْرَى ظَرْفَيْتِ علمی انسان، از دانستنی‌های زمین بیشتر و شگفتی‌های آسمان نیز از زمین بیشتر است. اسراء/ قدرت خداوند محدودیت ندارد. از پیر زنی نازا، فرزندی با استعداد به دنیا می‌آورد. (ذاریات: ۳۰) سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت؛ (و با آنها توبه کرد). و خداوند توبه او را پذیرفت؛ چرا که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است. (بقره: ۳۷) پذیرش توبه از سوی خدا، تنها برای کسانی است که کار بدی را از روی جهالت انجام می‌دهند، سپس زود توبه می‌کنند. خداوند، توبه چنین اشخاصی را می‌پذیرد؛ و خدا دانا و حکیم است. (نساء: ۱۷) و زمانی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! شما با انتخاب گوساله (برای پرستش) به خود ستم کردید! پس توبه کنید؛ و به سوی خالق خود باز گردید! و خود را [= یکدیگر را] به قتل برسانید! این کار، برای شما در پیشگاه پروردگارتان بهتر است.» سپس خداوند توبه شما را پذیرفت؛ زیرا که او توبه‌پذیر و رحیم است. (بقره: ۵۴)

کام ۲/۱	استعدادهای مادی (کمکی)	کام ۲/۱	موانع شکوفایی استعدادها	کام ۲/۱
۱	کاربردی (بهره از امکانات موجود)	۱	غیر کاربردی	۱
۲	انتزاعی (حل ذهنی مسائل)	۲	عینی	۲
۳	فضایی (طراحی چندبعدی)	۳	عملیاتی	۳
۴	هنری	۴	غیر هنری	۴
۵	بدنی - حرکتی، ورزشی	۵	عدم تحرک	۵
۶	اقتصادی	۶	غیر اقتصادی	۶
۷	زبانی یا کلامی و فن بیان	۷	مشکل در تکلم و بیان	۷
۸	اجتماعی	۸	غیر اجتماعی	۸
۹	ریاضی (عددی)	۹	ضعف در ریاضی	۹
۱۰	مکانیکی (کار با ابزار)	۱۰	نا توانی عملی	۱۰
۱۱	تخیل (قصه، شعر، نقاشی و...)	۱۱	عدم تخیل	۱۱
۱۲	موسیقی و صدا	۱۲	عدم مهارت موسیقی	۱۲
۱۳	منطق و فلسفه (به دنبال چرایی)	۱۳	غیر فلسفی	۱۳
۱۴	پیش بینی (حس ششم)	۱۴	حس ششم ضعیف	۱۴
۱۵	تفکر عمیق (ریشه یابی مسائل)	۱۵	تفکر سطحی	۱۵
جمع		جمع		جمع

۱) هوش کاربردی: با استفاده از این نوع هوش فرد هوشمند همواره موقعیتهای را خوب بررسی می کند و مسائل خود را به نحو مطلوب و موفقیت آمیز حل می کند.

۲) انتزاعی: استعداد فضایی: سوالات مربوط به این حوزه از آزمون استعداد تشخیصی ، توانایی درک فضایی را می سنجد و تجسم سه بعدی از یک الگوی دوبعدی را در آزمودنی مورد سنجش قرار می دهد .

۳) هنری: استعداد بدنی - حرکتی: این اشخاص، استعداد خاصی در استفاده از اندام های خود دارند (حرکت چشم ها، عضلات صورت، دست ها و سایر اندام های بدن) این افراد می توانند نقش های مختلف بازیگری را ایفا کنند و بعضی ها استعداد خاصی در پانتومیم دارند. این نوع هوشمندی را می توان در میان ستاره های معروف ورزشی یافت مانند: بازیکنان فوتبال، ژیمناستیک و اقتصادی:

۵) استعداد و هوشمندی زبانی و کلامی: این اشخاص استعداد خاصی در مطالعه کردن و استفاده هوشمندانه از کلمات جهت ابراز احساسات خود دارند، به همین دلیل در معاشرت با دیگران خوش مشرب و موقعیت شناس هستند. حتی در شوخی کردن با دیگران موقعیت زمانی و مکانی را در نظر می گیرند. این اشخاص می توانند نویسنده، شاعر، سخنور و یا روزنامه نگار شوند. در این نوع هوش فرد مطالب را به سرعت می خواند و می فهمد و در سخن گویی واژگان بیشتر و دقیقتری بکار می برد.

۶) استعداد اجتماعی شدن: استعداد این اشخاص در درک نیازها و انگیزه های دیگران است. این افراد در فعالیت های گروهی و رهبری این فعالیت ها تخصص دارند. نظریات خود را خیلی راحت به دیگران ارائه می دهند و خود نیز از نظرات و پیشنهادهای آن ها استقبال می کنند و به عبارتی با مردم زود می جوشند. رهبران و مصلحان و کسانی که علاقه به فعالیت های اجتماعی و سیاسی و گروهی دارند چنین استعدادی دارند.

۷) استعداد ریاضی: این گونه اشخاص استعداد خاصی در بازی با اعداد و رموز و حل مسایل ریاضی و درک رابطه موجود بین اعداد و مجهولات دارند. قدرت خاصی در رسم منحنی و نمودارها و همچنین استدلال و حل معادلات چند مجهولی دارند و در نهایت می توانند ریاضی دان و یا فیزیک دان و یا کارشناس مسایل اقتصادی باشند.

۸) استعداد عملی (مکانیکی یا دستی): استعداد این شخص کار کردن با ابزار آلات است. این استعداد را می توان از دوران بچگی کشف کرد. بعضی از کودکان کم حرفند، ولی می بینیم که مشغول باز و بسته کردن وسایل برقی مانند رادیو و یا تلویزیون و ... هستند. حتی در بازی با اسباب بازی اولین کاری که می کنند جدا کردن تمام قطعات آن و بستن دوباره آن هاست. این گونه افراد معمولاً بیشتر با وسایل و ابزارآلات معاشرت می کنند تا با مردم.

۹) استعداد تخیل: قدرت و استعداد این اشخاص در تخیل، نقاشی، طراحی، استفاده از رنگ ها، سایه ها، بافندگی، تقلید، عکس برداری، انتخاب صحیح اشکال و حجم آن ها است. این هوشمندی را در نقاشان و مجسمه سازان و به طور کلی هنرمندان و مهندسان طراح می توان یافت.

۱۰) استعداد موسیقی و صدا: این اشخاص قدرت تشخیص بسیار دقیق صداها و همچنین استعداد آهنگ سازی دارند.
۱۱) منطق و فلسفه:

۱۲) استعداد پیش بینی (حس ششم): بعضی افراد استعداد خاصی در پیش بینی و پیش گویی دارند، البته نمی توان تفسیر منطقی برای آن پیدا کرد، ظاهراً بصیرت و پاکی خاصی دارند و آن ها را قادر به پیش بینی حوادث به شکلی واضح تر و روشن تر از بقیه ی مردم می نماید. شخصی که چنین استعدادی دارد خودش نمی داند چگونه این کار را می کند. گاهی اوقات این اشخاص افکار دیگران را می خوانند. این استعداد بسیار نادر است.

۱۳) استعداد تفکر عمیق (درون گرایی): این قبیل اشخاص سعی می کنند استعدادها و احساسات درونی خود را کشف کنند. همچنین این قدرت را دارند تا درباره ی چند موضوع، در یک زمان دقیق و عمیق تمرکز کنند. همیشه در حال بررسی اندیشه و احساسات و طرح های دیگران هستند و استعداد خیال پردازی فوق العاده دارند، این نوع هوشمندی را می توان نزد فلاسفه و اندیشمندان و برنامه ریزان و روان شناسان یافت.

گام ۳/۱	علائق و ارزشها	بیش از حد	خیلی زیاد	زیاد	بیش از متوسط	متوسط	کمتر از متوسط	ناخوددور	کم	خیلی کم	و دودارم	خیلی کم	کم	ناخوددور	کمتر از متوسط	متوسط	بیش از متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بیش از حد	ضد ارزشها	گام ۳/۱
۱	پاکی (وضع یا کیفیت پاک بودن)	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	پلیدی (وضع یا کیفیت پلید بودن)	۱
۲	نظم (آراستگی، انضباط...)	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	بی نظمی (شلختگی و...)	۲
۳	جدیت (تلاش و کوشش)	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	تبلی (تن پروری، گاهلی)	۳
۴	خلوص (یکدلی و بی غشی)	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	ریا (تظاهر و دورویی)	۴
۵	وقت شناسی (موقعیت شناسی)	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	وقت کشی (وقت گذرانی)	۵
۶	بخشنده گی و مهربانی	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	بخل و سنگدلی	۶
۷	سرمایه (دارایی مادی و معنوی)	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	فقر اقتصادی، علمی و فرهنگی	۷
۸	تجهیزات (تدارکات، آماده سازی)	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	عدم آمادگی	۸
۹	مدرک (دلیل، نوشته و سند رسمی)	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	مدرک قلابی و غیر رسمی	۹
۱۰	گواهی (تأیید و تصدیق)	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	گواهی تأیید نشده	۱۰
۱۱	راهنما (مربی، راه بلد)	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	حسود، بخیل یا ترسو	۱۱
۱۲	یار موافق (دوست همدم)	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	یار مخالف (دوست دو رنگ)	۱۲
جمع																						جمع

۱) پاکی: در اینجا منظور از پاکی، پاکی (روح، جسم، طعام، نعمتها، دل، نفس، اعمال و رفتار، افکار و گفتار، دوستیها و پاکی از دشمنیها) است. که با عمل به فروع دین مسلمان شیعه (نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، تولی و تبری) بدست می آید.

۲) نظم: نظم در تمام امور مورد نظر است. که هماهنگ با نظام هستی باشد.

۳) جدیت: تلاش همه جانبه در حد وسع و حداکثر توان...

۴) خلوص: اخلاص در عمل و پرهیز از ریاکاری

۵) وقت شناسی: هر کاری و فعالیتی را به وقت خودش انجام دادن و عدم افراط و تفریط در وقت

۶) بخشنده گی و مهربانی: بخشنده گی مادی و معنوی نسبت به همه و مهربانی با صالحین

۷) سرمایه: استفاده از تمام داشته ها

۸) تجهیزات: امکانات مسیر موفقیت

۹) مدرک: مدارک تحصیلی

۱۰) گواهی: گواهی نامه های فنی و حرفه ای

۱۱) راهنما: پشتیبان علمی و تخصصی

۱۲) یار موافق: پشتیبان مادی و معنوی

۱۳) بیا قدری فکر کنیم: میوه داشته های وجود ما چیست؟ اصلاً حاصلی داشته اند؟ منظورم این است که ببینیم با نعمت هایمان چه طور رفتار کرده ایم؟ مثلاً سرمایه سلامتی مان را در چه راهی به کار گرفته ایم؟ بعد باید بسنجیم که از بین آن همه علاقه و استعداد و مهارت و هنر که بر شمرده ایم، کدام ها بیشتر به دردمان خورده است؟ ما وظیفه داریم کدامشان را پرورش دهیم؟ کدام ها را باید کنترل کنیم؟ چه چیزهایی نداریم که باید برای به دست آوردنشان تلاش کنیم؟

۱۴) علاقه ی طبیعی به مادیات، در نهاد هر انسانی وجود دارد، آنچه خطرناک است، فریب خوردن از زینت ها و جلوه های آن و عدم کنترل دلبستگی هاست. «زَيْنَ لِلنَّاسِ...» علاقه ی بیش از حد به زن و فرزند، بیش از هر چیز مایه ی دلبستگی انسان به دنیا می گردد. «حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ» یکی از شیوه های تربیتی، تحقیر مادیات و بیان عظمت معنویات است. «ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ»

اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ بهترین راه برای کنترل علائق مخرب، مقایسه آن با الطاف جاودانه‌ی الهی است. «وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ»^۱

۱۵) جلوه کردن دنیا در نظر انسان، گاهی از طریق خیالات شخصی و گاهی از سوی شیطان و گاهی از جانب اطرافیان متملق صورت می‌گیرد. از طریق اوهام شخصی: «يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»^۲ و «فَرَّاهُ حَسَنًا»^۳ و از سوی شیطان: «زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ»^۴ و از طرف اطرافیان متملق «زَيْنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ»^۵

۱۶) مصادیق جلوه‌های دنیا که در آیه ذکر شده، با توجه به زمان نزول آیه است و می‌تواند در هر زمانی مصادیق جدیدی داشته باشد. طلا و نقره، کنایه از ثروت اندوزی، و اسب کنایه از مرکب و وسیله‌ی نقلیه است.

۱۷) سؤال: با این‌که خداوند زینت بودن مال و فرزند را پذیرفته است؛ «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»^۶ پس چرا این آیه در مقام انتقاد است؟

۱۸) پاسخ: زینت بودن چیزی، غیر از دلبستگی به آن است. در این آیه انتقاد از دلبستگی شدید است که از آن به «حُبُّ الشَّهَوَاتِ» تعبیر می‌کند.

۱۹) کلمه‌ی «بَنِينَ» شامل دختران نیز می‌شود، نظیر این‌که می‌گوییم: عابران محترم از پیاده‌رو حرکت کنند که شامل زنان عابر نیز می‌شود.

۲۰) امام صادق علیه السلام با استناد به «حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ...» فرمودند: مردم در دنیا و آخرت از چیزی بیشتر از زنان لذت نمی‌برند... اهل بهشت نیز بیش از هر چیز به نکاح تمایل دارند تا خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها.^۷

۲۱) این روایت حکمت تقدّم «النِّسَاءِ» را بر دیگر موارد بیان می‌کند.

۲۲) پیام‌ها:

۲۳) ۱- علاقه‌ی طبیعی به مادیات، در نهاد هر انسانی وجود دارد، آنچه خطرناک است، فریب خوردن از زینت‌ها و جلوه‌های آن و عدم کنترل دلبستگی‌هاست. «زَيْنَ لِلنَّاسِ...»

۲۴) ۲- جلوه‌ی دنیا برای مردم عادی است، نه افراد فرزانه. «زَيْنَ لِلنَّاسِ» چنانکه در نظر همسر فرعون که فرزانه‌ی تاریخ است، کاخ و طلای او بی‌ارزش است. «نَجَّيْنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ»^۸

۲۵) ۳- علاقه‌ی بیش از حد به زن و فرزند، بیش از هر چیز مایه‌ی دلبستگی انسان به دنیا می‌گردد. «حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ»

۲۶) ۴- مراقب باشیم که زینت‌ها و جلوه‌های دنیا، مقدمه‌ی غفلت از آخرت است. «زَيْنَ لِلنَّاسِ... وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ»

۲۷) ۵- یکی از عوامل بد عاقبت شدن، شیفتگی و دلبستگی به دنیا است. زیرا عاقبت نیکو تنها نزد خداست. «زَيْنَ لِلنَّاسِ... وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ»

۲۸) ۶- یکی از شیوه‌های تربیتی، تحقیر مادیات و بیان عظمت معنویات است. «ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ»

۲۹) ۷- بهترین راه برای کنترل علائق مخرب، مقایسه آن با الطاف جاودانه‌ی الهی است. «وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ»^۹

۳۰) توفیق بهره‌گیری از متاع دنیا نیز به دست خداست. «مَتَّعْنَاهُ»

۳۱) کامیابی دنیوی، نشانه‌ی آسودگی اخروی نیست. «مَتَّعْنَاهُ... مِنَ الْمُخْضَرِّينَ»

۳۲) بهره‌مندی‌های دنیوی، حساب و کتاب دارد. «مَتَّعْنَاهُ... مِنَ الْمُخْضَرِّينَ»

۳۳) حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «فی حلالها حساب و فی حرامها عقاب»^{۱۰} در حلال دنیا حساب و در حرام آن عقاب است.

۱. کهف، ۱۰۴.

۲. فاطر، ۸.

۳. انفال، ۴۸.

۴. غافر، ۳۷.

۵. کهف، ۴۶.

۶. کافی، ج ۵، ص ۳۲۱.

۷. تحریم، ۱۱.

۸. قرآنی، محسن، تفسیر نور ج ۱ ص ۴۸۰-۴۷۹، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن - ایران - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۸۸ ه.ش.

۹. نهج البلاغه، خطبه ۸۲.

کام ۴/۱	اهداف رسیدن به اهداف	بیش از حد	خیلی زیاد	زیاد	بیش از متوسط	متوسط	کمتر از متوسط	ناخداوی	کم	خیلی کم	و داند کام	خیلی کم	کم	ناخداوی	کمتر از متوسط	متوسط	بیش از متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بیش از حد	اهداف مادی و معنوی	کام ۴/۱
۱	بندگی شیطان	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	بندگی خدا	۱
۲	سوء عمل	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	حُسن عمل	۲
۳	غضب الهی	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	رحمت الهی	۳
۴	خانواده از هم گسیخته	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	حفظ نظام خانواده	۴
۵	خانواده نا ایمن	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	حفظ امنیت خانواده	۵
۶	خواری و ذلت اعضای خانواده	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	حفظ کرامت اعضای خانواده	۶
۷	ظلم و ستم به خانواده	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	حفظ عدالت در خانواده	۷
۸	انحطاط و پستی (بیراهه)	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	رشد و تعالی خانواده	۸
۹	سقوط خانواده	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	شکوفایی خانواده	۹
جمع																					جمع	

^{۱۱} قرائی، محسن، تفسیر نور، ج ۷، ص ۸۲، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن - ایران - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۸۸ ه.ش.